

چنگال و آش کارده و حلووی کاسه  
 پی کاسه هم باشد زیر نیمکاسه !  
 یخنی عروس دوماد، گتد، حراروت  
 سوربوی لب سوزی که هی بخواد فوت  
 آشی که - پی و حَب روغن - روش باشد  
 یا کوفته ریزه ی - توجوغن روش باشد  
 زهک کنار دوغ نایبشگین  
 پنیر خیگ، چربه، لولک، پی دو - من  
 ماس کیسه ی جا افتاده ی تاپتون  
 پنیر تازه ی تازه ی کلیتون  
 از کاجی بابونه، تو\*، بابونه پلو  
 تو - دوریا - ارده شیریه شتو - رو -  
 تو - دوریا - پی چی دیگم هس، اییه:  
 سیب عروس شده ی تُرش مصریه!  
 از - آدووا - چن تو دونه ی هل جدا  
 نمک جدا، گاپر و فلفل جدا  
 پوی پاتیل - باقلیه - آشن جدا  
 آسک جدا، ابزار بیختن جدا  
 نمک تبرزه ی بیزیده ی پوی آلك  
 - یخنی عدس ماشک با - اویپازک -  
 تخمک و - تخم آبپز - وکیالک  
 - کازو - و - نقل پیرزن - لواشک

تارِهی پُر از یخ و غرابِهی عَرَق  
 - شیرِپ - پیریز ، یخاگنِه تق و تق  
 نَسْتَرَن و گاوزَبون و شاتِرِه  
 کاسنی و اُتْرُج و بهارِ بهتِرِه  
 - برفو - رو و ردار - کو تراشش - بُکن  
 وختی شد - آب چویدِه - یواشش بُکن  
 پی کولوکِ سرِ که شیرِه م، روش پیریز  
 - شدو - که شد، بُخور، بازم توش پیریز  
 پوی - شِوِد باقِلِه - گوشت و آلو  
 کنار - شل بر یونی - کپِهی لیمو  
 پوی دیگِ داغ - یَتیمک - گنِدنا  
 کنار - آس سبزی - شِوِد لوییا  
 پوی - خَرِه خرمو - سِه چارکِ رِگاله  
 مُذرت که پی اسم دیگهش بِلاله  
 دُور و بَر - دُوری - ماشکِ نر گسی  
 - کوفتهی سبزی - کفِ ظرفوی میسی  
 کنار - دَمپخت - هَنوزم هه، بهه...  
 - چی - هَسو - لوی چی - کَلِه گنجیشکی هه!  
 مِلِج مِلِج نکن، قَتُق کن، بُخور  
 چن چنه کن، مِهَر تو ازمن نبر

تهران - ۱۹ مهر ماه ۲۵۳۶

\* تا

## اُفتِه!

«رباعی»

- اُفتِه - که غم تو بی صفاتی بُکنه  
 ایندهی دل مارو، بیه ئی ماتی بُکنه  
 دل ما گِله کرد و دِنبالت گا گِله کرد  
 دَساشو بیگیر که - تاتی تاتی - بُکنه!  
 تهران - ۲۵ مهر ماه ۲۵۳۶

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## چن یک ولاتی؟

تو، چن بک شهری که به من جگر می کنی  
 تو\* - چه وجهه میشه - هی، جرو منجر می کنی  
 بی وخ، می بینی - شیریب - گذو شتم تو گوشت  
 انگار - سراسهن - که به من جگر می کنی

- هَشْتَم - که تو - چن یك ولاتی - که ریپس  
 چنتهت خالیه، مردمو منتتر می کنی  
 صنار جیگرک سفره قلمکار نمیخواه  
 هیچیت نمیگم، چه قمپزوی در می کنی  
 وختی میگنیت - تیلیت نکن - خمیر میشه  
 - لب تخت - پر از خمیرو - پی وور - می کنی  
 پی، ناتوی - تخم لق تو دهن تو شو کوند -  
 هی لق میشی باز دهن تو لقتر می کنی  
 اوضوی آلیه، هر کسی - کلپتره - میگه  
 مٹ بره میری، اونارو، از بر می کنی  
 هی ریچال میگی، - گهت - که خوب گرم میشه  
 مٹ - کره - بازم گوشارو - هی - گرمی کنی  
 - پی شو صنار - رو - چرخ - دل کمت نبود؟  
 حالو مثل بچا - بازی کلاغ پر - می کنی  
 پام - پیرک شده - دس ودلم - کیس رفته -  
 گوشت جونمو تو آخرش - لر - می کنی  
 ایدل، چرو نیدوشتی - قورمه ش - بکنم  
 یهه، تو چقد فکر سمندر می کنی!  
 تهران - ۲۷ مهر ماه ۲۵۳۶

## همروس و همیش

«ترانه»

همروس و همیش

دلُم ریش و دلُم ریش و دلُم ریش

- درویش کن - مٹِ پیشتر، یُو پیش

من و تو هر دو، بی جور غصه داریم

تواز - همروس - مینالی، من ز - همیش -!

تهران - ۱۴ آبان ۲۵۳۶





۲۹

طمعِ نوم

سرِ کوچه‌ی دل من - سروته - کردی و رفتی  
از دور و برم، همه رو - پره - کردی و رفتی  
صد بار از - نیراسا - اومدی رُوندی، نمودی  
گفتمت وادار، با زسروته کردی و رفتی

من - کارامو کردم - که بُو\* هم بریم بگردیم  
آمو، کاری که تو کردی، منو - مه - کردی و رفتی  
دل من که - طمع خوم - شده بود، اومد سراغت  
زخم عشقشو پر از - وجه - کردی و رفتی  
گفتم ها - یو - نه؟ چکار کنم، برم یا وِیسم؟  
جوی - ها - تو همهش - نعه نعه - کردی و رفتی  
پی دوبار بَرَت سه چار تو پنجشنبه نِشتم  
شیش هفت تار و هشت - نه نار و ده - کردی و رفتی  
گفتی به مندر زبون زرگری بُشُف:  
هی رزه، فزه، تزه، مزه، کردی و رفتی  
تهران - ۱۶ آبان ۲۵۳۶

۳۰

چرخه

«رباعی»

در این رباعی سعی شده است اصطلاحات  
خیاطی به کار گرفته شود.

چرخه‌ی دل من رو چرخ غم - پر - می خوره  
- سوزن‌نوی بگمیش - نیم کواکِ آخر می خوره  
- دُکمه‌غیبی - دل، تو - کیف کاریت - زیر - کوپوریت -  
- پی گندی - بهش بزن، داره جر می خوره!  
تهران - ۱۷ آبان ۲۵۳۶



۳۱

## وايىرنگم

توول زد رو پلنگم  
پوكوندم بو \* تلىنگم  
ديدى عشق تو آخر  
چطو زد وايىرنگم؟

شده تنگ دیگه از غم

دل واز و ولنگم

میخوام بوگروزم از شهر

خدایا کو شلنگم

کاکوی - فلز خرابت -

شده رفیق جنگم

که آی پیام سراغت

بینده هی فلنگم

سمندر گل اشکم

چکید از سر چنگم

تهران - ۱۸ آبان ۲۵۳۶

۳۲

## زوانبند

دل مارِه تو برشوندی، الهی که پیرشی  
آیه وایدشی، شرنیدهشی، شرشرشی  
مٹ کنگِ هیمه، هیگتی دیگهی بیفتیه کنگت  
همچی خوب پیرشی که تو چشموی همه برشی

هِی - مِلِجِ مِلِجِ - کِردم و هِی غما تو خوردم  
 هَر چَن که دلت نسوخته باز حیفه سِنر شی  
 جوی قهر و وفوی تو باز بُو\* من - عَوَض دو گز شد  
 هِی - شِور - میشی، پَس نِپه کی میخوی سِور شی  
 صَحْرُوی دلم از لمره و جوی پوی تو رولمران  
 پی روز میدونم روش می جقی، میخوی آجر شی  
 ای سی بختُم، غمِت بِه بختارِ من افتاد  
 پَرده ی دِلْمُو جِر میدی و میخوی تو - جِر - شی  
 ای غم، مَتِ بُوچ - بُتِ خِر - من هِی نرو - کز کن  
 بوچ کِش ندارم، حیفه، می ترسم شِر و وِر شی  
 قلبِ نو آکبندِ سمندر و تو شو کوندی  
 . پِشْتُو تو چشات دُشتی، الهی که پِرشِی!  
 تهران - ۳۵ آبان ۲۵۳۶



۳۳

## دختِ چه کنم

بی‌شیم زیر درختِ چه کنم  
بگم درختِ چه کنم  
چطو غمو مچیه کنم  
ضف کیر مندوقچه کنم  
تو بوگو درختِ چه کنم

چه کنم، چکار کنم؟

\* \* \*

بی شینم زیر درختِ چه کُنم  
بگم درختِ چه کُنم  
چطو دلو کمچہ کُنم  
در دو زیر لمچہ کُنم  
تو بو گو درختِ چه کُنم

چہ کُنم، چکار کُنم

\* \* \*

بی شینم زیر درختِ چه کُنم  
بگم درختِ چه کُنم  
گیرم دلو باغچہ کُنم  
لمہ چطو غنچہ کُنم  
تو بو گو درختِ چه کُنم

چہ کُنم، چکار کُنم

\* \* \*

بی شینم زیر درختِ چه کُنم  
بگم درختِ چه کُنم  
سندر و - بچہ - کُنم  
پس کی رو - ماماچہ - کُنم  
تو بو گو درختِ چه کُنم

چہ کُنم، چکار کُنم

\* \* \*

تہران - ۵ آذر ۱۳۴۶

۳۴

بارشپن

او، مقبِ رَنگِ انارت  
او، چشِ رَنگِ گنارت  
او، سینه‌ی باغِ بهارت

داروندارت کا گوجون،  
بیقرارت منو کِردہ

حَالُو قَرَبُونْت مِشَم مَن  
- دِلِك اُوزُونْت - مِشَم مَن  
لَب رِخ بُونِيت مِشَم مَن

داروندارت، کاکوجون،  
منو کرده بیقرارت

غَم مَن بِي تَو - اِضَاف - شَد  
گوروكِ دِلَم - كَلَاَف - شَد  
مِث - تِير شِه - شَد - مَلَاَف شَد

داروندارت، کاکوجون،  
منو کرده بیقرارت

مِث - بَار شِين - اَلْوَم مَن  
از - سَمَنَدَر - جِلْوَم مَن  
تَو خَا كِستَر - وِلْوَم - مَن

داروندارت، کاکوجون،  
منو کرده بیقرارت

تهران ۷ آذر ۲۵۴۶

۳۵

رُوْتِكُمْ

«منوی»

تو میخُوی بی تو نگرَدَم، رُوْتِكُمْ  
کاکُو دورِ تو میگرَدَم، رُوْتِكُمْ  
بخدا من به کسی کار ندارم  
- مُفَتِّ کَالَّذی - تو ره دوس میدارم

بَیْه - لیس کول شو - و فلقوز بازی  
 بازی بازی بُو \* بچه‌ی شیرازی؟  
 من که حرفم رو زبونم پیدان  
 لُخت نیستم، آمو - جونم - پیدان  
 دل من توره میخواد، نه که نمیخواد  
 داره دنبالت میاد، نه که نمیاد  
 عشق تو - کت - داره، نه که نداره  
 مٹ گل - پ ت - داره، نه که نداره  
 آمو - پی و خ - نگی یارم - چنه شد  
 انچو چک شد، بخورک شد، بنه شد  
 نکنه مارو تو - نادخ - بکنی  
 دل - دلوازمو - برزخ بکنی  
 نری عاشق بشی، دسک بزنی  
 نصف شب - شوت موت - وشافتک بزنی  
 عشقبازی مٹ - پی قل دو قلب  
 من می ترسم بری آخر تو - کله -  
 هر کی - رفت کله - بدون باش - الله  
 حقی او نشتکیه، فحشیه، مکلیه  
 از سمندر تو اگر جدا میشی  
 - مشغول زمه‌ی - کافرا میشی !

تهران - ۷ آذر ۲۵۳۶

\* با

۳۶

## دل پَسَک

تو سینتم، چنگ و چیله‌ی باغِ خزون  
تو دلّم، دل‌ریسکِ بادِ آوزون  
نیدو، دود از دل من بِلنِ بَشه  
آتیش عشقو روشن کن، بیگیرون!  
تهران - ۸ آذر ۱۳۴۶

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



۳۷

## میون دختر، شیرازباشون..

میون دختر، شیرازباشون  
خورشید لونه کرده تو دل‌اشون  
عشق پر می‌کشه از تو چشاشون  
امان از دست او، برق نگاشون  
همو برق‌نگوی شیطون بلاشون  
آدم میمیره براشون

شیراز چه خوبه با شوخ و شنگاش  
چش دارن از او، سیوی قشنگاش  
لب دارن از او، گلی گلی رنگاش  
دل دارن از او، مست و ملنگاش

میون دخترا شیرازیاشون

آدم میمیره برایشون

سرا پوی دلبرم نازه، چه بهتر  
با من همدل و همرازه، چه بهتر  
رومون با همدیگه وازه، چه بهتر  
یارم مال شیرازه، چه بهتر

میون دخترا شیرازیاشون

آدم میمیره برایشون

تهران - ۴۴ آذر ۲۵۳۶

دستور  
تفسیر و اثرات اصطلاحات

www.Ketabarsisi.com

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## راهنمای آواخوانی

برای خواندن واژه‌ها و اصطلاحات لهجه شیرازی

الفبای زیر که جامع‌ترین الفبای علمی صوتی است<sup>۱</sup> با بهره‌گیری از الفبای صوتی بین‌المللی برای ثبت گویش‌های مختلف ایران پیشنهاد شده و هم‌اکنون در مطالعات مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، از آن استفاده می‌شود.

---

۱- توضیح: برای احتراز از پیچیدگی کار در اینجا از نقل تمامی الفبا و نشانه‌های آن صرف‌نظر شده و فقط به نشانه‌هایی که مورد نیاز لهجه شیرازی است اشاره می‌شود.

a	آ
e	اَ
o	اُ
â	آ
u	او
i	ای
b	ب
p	پ
t	ت - تا
s	ث - س - ص
j	ج
ç	چ
b	ح - ج
x	خ
d	د
z	ذ - ز - ظ
r	ر
s	س
ç	ش
f	ف
q	ق
k	ک
g	گ
l	ل
m	م
n	ن
v	و
y	ی

(ā	آ بلند
(è	اَ بلند
(ó	اُ بلند

www.KetabFarsi.com